

نگارخانه

فصلنامه علمی

وابسته به بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

سال سوم، بهار ۱۴۰۲

شماره هشتم

- قلمرو آزادی در فقه، اخلاق و رسانه / سید محمد حسینی دره‌صوفی
- نقش مباشر و سبب در ارتکاب جرم قتل / محمد علی علی‌دادی
- تاثیر خانواده بر اخلاق و شخصیت افراد / ابراهیم افتخاری
- گونه‌های بهره‌گیری از فقه در حل تعارضات اخلاقی / سید رضی قادری
- سیر تاریخی زناشویی تا به اسلام / جعفر ناطقی
- ملاک تقویم مال و چالش‌های قرار وثیقه غیر نقدی / محمد آصف افتخاری
- مشروعیت اطاعت از مافوق در دستگاه اداری از منظر فقه اهل‌بیت / سید رضا علوی

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر
مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی
ویراستار: سید محمد نقوی
گرافیسیت: سید محمود محسنی
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۳۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)
شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: ایران: قم، شهر قائم، ۱۲ متری شهید رجایی، پلاک ۵۲، واحد سوم

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و ماخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده. و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. عناوین اصلی و فرعی شماره بندی چند سطحی شود و هیچ عنوان بدون شماره نباشد.
۸. معادل انگلیسی اصلاحات و مفاهیم علمی رایج پانویس شود.
۹. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۱۰. فهرست منابع و ماخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف). کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب). مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲، ۱۸۹.
۱۱. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمون نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۲. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی ندارد.
۱۳. نقل مطالب نشریه با ذکر منبع بلامانع است.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم، سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه. قم
۴. محمد اسماعیل حلیمی، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، جامعه المصطفی العالمیه. قم
۵. حفیظ الله محمدی، سطح چهار، دانشگاه خاتم النبیین. کابل
۶. قربانعلی مبلغ. کارشناسی ارشد فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه. قم.

تأثیر خانواده بر اخلاق و شخصیت افراد

ابراهیم افتخاری^۱

چکیده

آمار طلاق، بزه کاری، اعتیاد، اختلاس، سرقت، و ناهنجاری های مبتنی بر فرد در جامعه در حال گسترش است. تحکیم بنیان خانواده تمام معضلات اجتماعی را برطرف می کند. محیط خانواده به عنوان محل ایجاد شخصیت افراد در تمام ابعاد مهمترین دلیل بروز فضایل و ردای اخلاقی در فرد است. افزایش ناهنجاری های اجتماعی و بروز آن در سطح جامعه ریشه مستقیم در خانواده دارد. مطالعاتی در محورهای گوناگون در این زمینه وجود دارد که نگاهی غیر جامع به این موضوع دارند، یا نگاه محدود به خانواده در یک یا چند بعد و یا ریشه یابی معضلات اجتماعی که به عنوان عوامل دست چنم هستند پرداخته اند. آیات و روایاتی که ناظر به محیط خانه و روابط بین افراد خانواده هستند ملاحظه گردید. به طور کلی ریشه تمام مشکلات فردی و اجتماعی در خانواده است. یافته های این تحقیق محیط خانواده و شخصیت پدر و مادر را مهمترین عامل در شکل دهی شخصیت و اخلاق افراد معرفی می کند.

کلمات کلیدی

ازدواج، زن، شوهر، خانواده، اخلاق، محبت، فرزندان

۱. مقدمه

چرا در جامعه اسلامی ناهنجاری بوجود می‌آید؟ چرا تحمل و صبر در جامعه از بین رفته است، چرا منافع شخصی مهمترین هدف در جامعه برای افراد است؟ چرا میزان اختلاس و دزدی در جامعه در حال افزایش است؟ چرا یأس و ناامیدی دامن بسیاری از جوانان را می‌گیرد؟ چرا غرب و زندگی غربی برای بسیاری از جوانان هدف و رؤیاست؟

این‌ها همه سؤالاتی است که نسبت به پدیده‌های پیرامونی می‌توان مطرح کرد، و مشکلات اجتماعی که در جامعه بوجود می‌آید، نیاز به ریشه‌یابی و چاره دارند. در این راستا می‌توان افرادی که در جامعه عامل جرم و بزهکاری هستند را اصلاح و سعی در تغییر اخلاق و شخصیت آن‌ها نمود، و یا هزینه بزهکاری و جرم در جامعه را افزایش داده و مجازات آن‌ها را سنگین‌تر نمود. و نیز می‌توان اصلاح شخصیت افراد را در خود جامعه طرح‌ریزی کرد و سعی بر هدایت افراد جامعه قبل از وقوع جرم نمود. این راه نیز می‌تواند بصورت جمعی و در اجتماع از طریق رسانه‌ها و سازمان‌های اجتماعی شکل بگیرد.

اما به نظر می‌رسد هیچکدام از راه‌های فوق‌الذکر مؤثر نباشد، زیرا تجربه ثابت کرده است، مجرمین حتی بعد از پشیمانی و اراده اصلاح خود باز هم در موقعیت بزهکاری قرار گرفته و مجدد مرتکب جرم می‌شوند. این مطلب را مجازاتهای مکرر مجرمین ثابت می‌کند. افزایش مجازات و بالا بردن هزینه جرم نیز به نظر کارایی لازم را ندارد. اگر چه در برخی موارد می‌تواند از وقوع جرم جلوگیری کند، ولی توان اصلاح جامعه را ندارد. رسانه‌های جمعی سازمان‌های اجتماعی نیز تاثیر چندانی بر شخصیت افراد ندارند، زیرا تا حالا بر روی تمام موارد فوق برنامه‌های مدون و جامعی صورت گرفته، اما از آمار بزهکاری و جرم کاسته نشده است.

با توجه به مشکلات پیش آمده، اگر به متون دینی و بالاخص قرآن مراجعه کنیم، چاره حتمی اصلاح جامعه تنها تربیت و اصلاح افراد بشر از بدو تولد است. و این مهم نیاز به اصلاح کانون خانواده دارد. خانواده نیز با ازدواج یک مرد و یک زن به وجود می‌آید. اگر زن و شوهر از ابتدای زندگی، بر اساس مفاهیم قرآن شروع کنند قطعاً نتایج خوبی در سطح جامعه خواهد داشت.

تأثیر خانواده بر اخلاق و شخصیت افراد * ۵۹

لازم است در ابتدا شخصیت و اخلاق تعریف و تبیین گردد، و سپس عوامل تأثیر گذار بر شخصیت و اخلاق را بررسی و در آخر با استفاده از آیات قران و روایات به تبیین این موضوع پرداخت.

۲. مفهوم شناسی شخصیت

شخصیت، ذات هر شخص، خلق و خوی مخصوص هر کس و مجموعه‌ی خصائص یک فرد است که او را از دیگران متمایز می‌سازد (عمید، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۵۴۳). و اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۰). اخلاق حالتی نفسانی است که بدون نیاز به تفکر و تأمل، آدمی را به سمت انجام کار حرکت می‌دهد. (ابن مسکویه، ج ۱، ص ۴۱).

از آنجا که انسان هدفی جز تکامل و ترقی و رسیدن به اهداف عالیه ندارد، بناچار باید شخصیت و اخلاق خود را پرورش دهد. اما این پرورش می‌تواند در مسیر مثبت باشد یا در مسیر منفی. کسانی که در مسیر مثبت هستند در حال تکامل و رسیدن به اهداف آفرینش هستند و کسانی که در مسیر منفی هستند، در حال سقوط از جایگاه انسانی هستند.

تمام پیامبران و فرستادگان الهی هدفی جز پرورش شخصیت و اخلاق جوامع بشری نداشته و ندارند. تا آنجا که پیامبر خود فرمودند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۳۸۲). یعنی هدف بعثت من این است که شخصیت و اخلاق شما را کامل کنم و شما را در مسیر فضائل اخلاقی قرار دهم.

انسان‌ها کاملاً شبیه هم و یکسان هستند. تنها تفاوت آن‌ها شخصیت و اخلاق است. شخصیت و اخلاق در انسان‌ها می‌تواند آن‌ها را تا عرش الهی بالا ببرد:

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت

و یا او را از حیوان هم بی‌ارزش‌تر کند: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» (اعراف، ۱۷۹).

۳. عوامل موثر بر شخصیت و اخلاق انسان

اندیشمندان علم اخلاق و انسان‌شناسی، برای پرورش و تکامل شخصیت و اخلاق در انسان دو عامل اساسی ذکر کرده‌اند: عامل وراثتی و عامل غیر وراثتی.

۳-۱. وراثت

عامل وراثت را که در قرآن فرموده: «كُلُّ يَعْْمَلُ عَلٰى شَاكِلَتِهٖ» (اسراء ۸۴). علامه طباطبایی در تفسیر آن فرموده است: شاکله نسبت به عمل، نظیر روح جاری در بدن است که بدن با اعضا و اعمال خود آن را مجسم نموده و منویات او را نشان می‌دهد (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۱۸۹ و ۱۹۰). آقای قرائتی نیز شاکله را به معنای ساختار و بافت روحی انسان می‌داند که در اثر وراثت، تربیت و فرهنگ اجتماعی برای انسان پیدا می‌شود. (قرائتی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۱۱۱).

در تأکید عامل وراثت قرآن می‌فرماید: «وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذِي خَبَثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَكِدًا» (اعراف، ۵۸). و حضرت نوح به آن اشاره صریح دارد: «إِنَّكَ إِن تَذَرُهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَ لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا» (نوح، ۲۷). و امام صادق (ع) نیز بر این مطلب تأکید دارد: «تَرَوُجُوا فِي الْحُجْزِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۷). بنابراین عامل وراثت یکی از عوامل مهم و تأثیر گذار در شکل‌گیری شخصیت افراد است.

تأثیر عامل وراثت اگر به اندازه‌ای باشد که دیگر قابل تغییر و اصلاح نبوده و انسان‌ها مجبور به تخلّق و رفتار بر اساس عواملی باشد که قبل از تولد آن‌ها در وجودشان شکل گرفته است؛ در این صورت برنامه‌های هدایت و تربیت، ارسال رسل و کتب، سیستم جزا و پاداش در عالم هستی و قیامت کاملاً بی‌هوده و لغو خواهد بود. چرا که انسان‌ها کارهایی را انجام می‌دهند که خود هیچ نقشی در انجام آن ندارند. در این گونه نگرش مقوله‌ای بنام جبر مطرح می‌شود که اندیشمندان و علمای اسلام بطور عموم آن را رد کرده‌اند و شواهد و قراین و مصادیق عینی نیز این نظریه را مردود نموده است.

۳-۲. غیر وراثتی

مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری شخصیت یک فرد عامل غیر وراثتی است. حتی می‌تواند بر عامل وراثت غلبه کرده و آن را از تاثیر بازدارد. چون اگر چنین نباشد، مقوله‌ای بنام جبر مطرح

تأثیر خانواده بر اخلاق و شخصیت افراد * ۶۱

می‌شود که کاملاً توسط علمای اخلاق مردود شمرده شده است. علامه طباطبایی در این مورد می‌گوید: «خلق و خوی هر کس در حد اقتضاء انسان را به عمل یا ملکه‌ای متناسب با خود دعوت می‌کند ولی به نحو علیت تامه نیست و طوری نیست که مخالفت با آن غیر ممکن و محال باشد و اختیار انسان را باطل کند. افعال انسان اختیاری است گرچه در برخی موارد (مخالف طبع باشد) دشوار است» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۱۹۰).

قرآن در نفی جبر گرایی می‌فرماید: «تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ» (آل عمران، ۲۷). آیت الله مکارم شیرازی از این آیه عدم انحصار تأثیر وراثت در سرنوشت انسان را نتیجه می‌گیرد و می‌نویسد: قرآن زندگی و مرگ معنوی را در آیات متعدد به کفر و ایمان تعبیر می‌کند مطابق این تفسیر، مسأله به هم ریختن قانون توارث را که بعضی از دانشمندان آن را از قوانین قطعی طبیعی می‌دانند اعلام می‌دارد. زیرا انسان به خاطر داشتن آزادی اراده مانند موجودات بی‌جان طبیعت نیست که تحت تأثیر اجباری عوامل مختلف باشد و این یکی از قدرت‌نمایی‌های خداست که آثار کفر را از وجود فرزندان کافر (آن‌ها که می‌خواهند مؤمن باشند) می‌شوید و آثار ایمان را از وجود فرزندان مؤمن (آن‌ها که می‌خواهند کافر باشند) از بین می‌برد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۹۶).

آیت الله مصباح یزدی شخصیت را با توجه با اهمیت عامل اختیار اینگونه تعریف می‌کند: «شخصیت عبارت است از تألیفی از خلق و خواها، معتقدات، عادات و ملکاتی که بر اثر افعال اختیاری آدمی حاصل می‌آیند» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۴).

پیش‌گامان علم ژنتیک نیز بر این مطلب اذعان دارند. آن‌ها می‌گویند: دو قلوهای همسان با وجود داشتن مجموعه ژنی یکسان از نظر شکلی و رفتاری کاملاً یکسان نیستند و این پدیده حاکی از آن است که مشخصات و خصوصیات انسان متأثر از عاملی غیر از ژنتیک است (آلبرتس، ۱۳۹۴). هر خصوصیت اخلاقی مانند سست اراده بودن یا کم‌جرات بودن به طور کامل تحت کنترل ژن‌ها قرار ندارد و با تربیت، تمرین، پرورش و حراست خود فرد قابل تغییر و بهبود است و در نهایت هر کس مسئول اعمال خویش است (بیکر، ۱۳۹۲).

می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که عامل وراثتی اگر چه در روحيات و اخلاق و شخصیت فرد مؤثر است، اما وسائلی در وجود هر فرد قرار گرفته که می‌تواند اصلاح شده و برای اهداف و

مقاصد دلخواه تربیت شود. بنابراین آنچه که در حیطه توانایی ماست عوامل محیطی و غیر وراثتی است.

۳-۳. اهمیت عوامل محیطی (غیروراثتی):

عوامل محیطی کاملاً در دایره اکتساب قرار دارد و تحت اراده و اختیار شخص است و در سایه تعلیم و تعلم می‌تواند شخصیت و اخلاق انسان را شکل دهد. خداوند متعال می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (شمس، ۹-۱۰)، به گواه قرآن هر کس تزکیه نفس کند و اراده خود را در این راستا بکار اندازد قطعاً موفق می‌شود و هیچ عاملی نمی‌تواند مانع اراده شخص شود.

امیر المؤمنین نیز به نقش و اهمیت تربیت اذعان دارد، آنجا که به فرزندش امام حسن مجتبی می‌فرماید: «فَبَادِرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَتَسَوَّوْا قَلْبُكَ وَ يَشْتَغَلَ لُبُّكَ» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). و با این سخن تأکید دارند که اخلاق و شخصیت ائمه معصومین بیشتر ناشی از تربیت و اراده است تا وراثت و عرق.

به طور قطع شخصیت افراد قابل تربیت و تغییرند. خانواده عامل اصلی در شکل‌گیری شخصیت افراد به حساب می‌آید. این مقاله در صدد بیان این مطلب است که خانواده می‌تواند تمام ابعاد شخصیت و اخلاق افراد را به نحو مطلوب بسازد، تا انسان از لحاظ شخصیتی کاملاً در مراتب بالای کمال رسیده و در مراحل مختلف زندگی دچار انحراف نشود. این مهم را با استفاده از قرآن و روایات می‌توان اثبات کرد.

۳-۴. کارکردهای ازدواج و خانواده

۳-۴-۱. رفع نیازهای جنسی و روحی زن و شوهر

یکی از قویترین غرایز و تمایلات در انسان غریزه جنسی است. خطر این غریزه به حدی شدید است که اگر از راه صحیح کنترل نشود انسان در مقابل آن نمی‌تواند بایستد. حضرت یوسف از پیامبران بزرگ الهی است خدا در قرآن می‌فرماید: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَ هَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ» (یوسف، ۲۴). مفسرین در معنی دقیق آن فرموده‌اند: «دیدن برهان پروردگار باعث شد خدا او را از فحشاء نجات دهد» (طباطبایی، ج ۱۱، ص ۱۲۸).

تأثیر خانواده بر اخلاق و شخصیت افراد * ۶۳

به عبارت بهتر باید گفت، حتی حضرت یوسف که یک انسان خود ساخته و برگزیده خدا بود در مقابل این غریزه یارای استقامت و مخالفت ندارد و بدون کمک خدای متعال از پس این غریزه بر نمی‌آید. چون خود حضرت یوسف فرمود: «وَالْأَلَّا تَصْرِفُ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ» (یوسف، ۳۳). اگر فتنه آن‌ها را از من نگردانی، بسوی آنان میل می‌کنم و در زمره جاهلان قرار خواهم گرفت.

اما خدای متعال چنان که این غریزه را برای مصالحتی داده تنها راه چاره و کنترل آن را ازدواج و همسرگزینی قرار داده است، پس ازدواج تنها راه ارضاء غرایز جنسی است. از طرفی چون انسان دارای نیازهای روحی است که در قالب اجتماع برطرف می‌شود، زن و شوهر در کنار هم یک اجتماع دو نفره را تشکیل می‌دهند که بسیاری از نیازهای روحی آنان در قالب تشکیل این اجتماع کوچک پاسخ داده خواهد شد: «وَجَعَلْ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم، ۲۱).

۳-۴-۲. ازدیاد نسل

انسان بطور کلی در یک زمانی به دنیا می‌آید و چند سال بعد از دنیا می‌رود. اگر تولد نباشد نسل آن‌ها منقرض خواهد شد. تنها راه افزایش در تعداد نفرت انسان‌ها و در زمان کنونی به جهت عدم کاهش تعداد انسان‌ها از نظر شرع مقدس اسلام ازدواج است.

۳-۴-۳. آرامش خاطر

رسیدن به آرامش و آسایش از اهداف ذاتی و فطری انسان است. رسیدن به آرامش هدف غایی همه تلاش‌های جامعه بشری است؛ چنان که بشر در راستای تحقق این میل فطری، گاهی - اگر نگوئیم در اکثر موارد - به بیراهه می‌رود و سر از بحران روحی از جمله عرفان‌های دروغین یا کاربرد انواع مخدر و نشاط آور در می‌آورد (مظاهری سیف، ۱۳۸۴).

آرامش و آسایش تفاوت بسیار دارد. آرامش یک حالت روحی و روانی است. آرامش به معنی اطمینان درونی و آرامش قلب است. و با نداشتن اضطراب و نگرانی و تشویش معنا پیدا می‌کند. در حالی که آسایش به معنی تأمین امکانات زندگی و احتیاجات مادی است. ممکن است فردی آرامش داشته باشد ولی آسایش نداشته باشد یعنی فقیر باشد ولی دارای

آرامش روحی و روانی باشد. و برعکس ممکن است از لحاظ مکتب دنیایی بی نیاز باشد ولی آرامش نداشته باشد.

آنچه که در دنیای معاصر وجودش کیمیاست آرامش است و خدای متعال می فرماید: «وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم، ۲۱). همسران شما از جنس خودتان خلق شده تا با وجود آن‌ها به آرامش درونی برسید و این از نشانه‌های خداوند است.

و یا در جای دیگری می فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف، ۱۸۹). خدای متعال کسی است که شما را از یک نفس آفرید، و از همان نفس همسری برای شما قرار داد که موجب آرامش شما باشد..

به گواه قرآن همسر می تواند برای فرد آرامش ایجاد کند. زیرا بسیاری از احتیاجات روحی فرد با وجود همسر پوشش داده می شود. از نظر قرآن تکامل انسان در وجود همسر است زیرا «وَ خَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا» (نبا، ۸). خلقت بشر بصورت زوجی است و انسان تنها ناقص خواهد بود.

۳-۴-۴. تقویت ایمان

ایمان به خدای یگانه اولین و مهمترین هدف انبیاء الهی است چنانکه اولین درخواست پیامبر بعد از مبعوث شدن به پیامبری همین مطلب است: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَقْلِحُوا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۸، ص ۲۰۲). ایمان داشتن به خالق یکتا اصلی ترین دلیل هدایت و رستگاری یک انسان است. برای تقویت ایمان در وجود هر شخصی باید موانع آن را برطرف کرد. یعنی موانعی که انسان را از خدا و یاد خدا دور می کند. بزرگترین مانع برای نزدیک شدن به معبود یکتا افکار و اوهامی است که از نیازهای روحی و جسمی انسان سرچشمه می گیرد و قویترین نیاز جسمی انسان نیاز جنسی و قویترین نیاز روحی او وجود مونس و همدم است که شریک غمها و شادیهای انسان در زندگی باشد یک همسر شایسته در کنار انسان می تواند این نیاز روحی و جسمی را مرتفع کند و در اینصورت بزرگترین مانع برای رسیدن به معبود را با وجود همسر می توان رفع نمود.

خدای متعال می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ

تأثیر خانواده بر اخلاق و شخصیت افراد *۶۵

إِيمَانِهِمْ» (فتح، ۴۸). وقتی آرامش روحی و سکون قلب در وجود مؤمنین آمد زمینه افزایش ایمان فراهم می‌شود.

به همین دلیل امام صادق فرمود: «رَكَعَتَانِ يُصَلِّيهِمَا مُتَزَوِّجٌ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً يُصَلِّيْهَا غَيْرُ مُتَزَوِّجٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳، ص ۲۱۹). و به همین دلیل پیامبر اکرم فرمود: «الْمُتَزَوِّجُ النَّائِمُ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْعَزَبِ» (همان، ج ۱۰۰، ص ۲۲۱). روشن بودن نور ایمان در وجود هر انسانی شخصیت و اخلاق او را تحت تأثیر قرار داده و اصلاح می‌کند.

۳-۴-۵. کسب رضایت خدا و شرایط بندگی

وجود همسر شایسته و با ایمان باعث دوری شیطان و نزدیکی به خدا و آرامش و سکون قلبی برای فرد می‌شود و با سکون قلبی و آرامش روحی ایمان تقویت می‌شود. که در این کار رضایت، محبت، رحمت و لطف خدا نسبت به خانواده جلب می‌گردد و قطعاً نتیجه چنین کاری بهشت برین خواهد بود:

«يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * اِزْجِي إِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَأَدْخُلِي جَنَّتِي» (فجر، ۲۷-۳۰). یعنی وقتی دل از یاد خدا پاک شد و قلب آرام گرفت در حالی که بنده از خدا و خدا از بنده‌اش راضی است به سمت پروردگارش نزدیک می‌شود و در زمره بندگان خوب و عبادت‌کنندگان خدا قرار می‌گیرد و با رحمت و لطف خدا وارد بهشت می‌گردد.

۳-۴-۶. تهذیب نفس

بهترین مکان برای تهذیب نفس و از بین بردن رذایل اخلاقی و کسب فضایل در محیط خانواده است. وقتی زن و مرد بر اساس معیارهای اسلامی ازدواج کرده و با عمل به آیات قرآن شروع به خودسازی می‌کنند زن و شوهر ابتدا خود را از زشتیها و رذایل پاک می‌کنند: «هُنَّ لِيَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِيَاسٌ لِهِنَّ» (بقره، ۱۸۷). زن و شوهر نسبت به هم مثل لباسند که همدیگر را از زشتیها باز می‌دارند و باعث می‌شوند از معصیت خدا و لغزشها دور بمانند و سعی می‌کنند شخصیت همدیگر را بر اساس فضائل اخلاقی بسازند.

بعد از آنکه زن و شوهر نفس خود را از آلودگیها زدودند، فرزندان خود را با معیارهای

اسلامی تربیت کرده و نفس‌های آنان را پاک می‌کند. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَمْتُوا نُفُوسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْجِرَارَةُ» (تحریم، ۶).

محیط خانواده یک اجتماع کوچک است که در تعامل با همدیگر تمام حقوق بین انسان‌ها مطرح می‌گردد. اگر ادای این حقوق و وظایف بر اساس موازین قرآنی باشد قطعاً اعضای خانواده انسان‌های وارسته‌ای خواهند بود که حتی بعد از دوران رشد در محیط جامعه نیز منشأ برکات و نزول رحمت الهی خواهند بود.

۳-۴-۷. ایجاد روحیه اجتماعی در خانواده

فرزندان وقتی دنیا می‌آیند اولین انسان‌هایی را که مشاهده می‌کنند پدر و مادر است. پس اولین الگوی آن‌ها والدین خواهد بود. نحوه تعامل والدین با یکدیگر و نیز با فرزندان کاملاً بسان الگویی در ذهن فرزندان نقش خواهد بست و این یک اصل اولیه اخلاقی در وجودشان نهادینه می‌شود که با دیگران مثل پدر و مادرشان تعامل کنند. اگر بر اساس تعالیم قرآنی والدین انسان‌های وارسته و شایسته و دارای فضایل اخلاقی باشند، قطعاً فرزندان نیز با پیروی از آن‌ها می‌توانند دارای چنین صفاتی باشند و این مهم در میان اجتماع خارج از محیط خانواده ظهور خواهد یافت.

از این رو تربیت خانوادگی هسته اولیه شخصیت هر فرد را می‌سازد و بهترین زمان و مکان جهت پرورش شخصیت و اخلاق محیط خانواده است.

این به هم پیوستگی بین خانواده و جامعه در آیات قرآن به خوبی انعکاس یافته است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم، ۲۱). یکی از روشن‌ترین جلوه‌های «مودت» و «رحمت» جامعه کوچک خانواده است. زن و شوهر ملازم یکدیگرند و زندگی مادی و معنوی فرزندان خود را تأمین می‌کنند و در حفظ و حراست، تغذیه و تأمین لباس و مسکن و علم و تربیت آن‌ها می‌کوشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ج ۶، ص ۳۹۲).

این رابطه محبت‌آمیز در چهارچوب خانواده خلاصه نمی‌شود، بلکه با توجه به اینکه خانواده زیر بنا و نقطه آغازین جامعه است و با توجه به واژه «بینکم» که احتمالاً اشاره به همه افراد بشر است، می‌توان گفت: ادامه حیات جامعه‌های بزرگتر نیز بدون «مودت» و «رحمت» ممکن نیست؛ چرا که جامعه از فرد فرد انسان‌ها تشکیل می‌شود، اگر این افراد با هم پیوستگی

تأثیر خانواده بر اخلاق و شخصیت افراد * ۶۷

و ارتباط نزدیک نداشته باشند، جامعه‌ای به وجود نخواهد آمد (همان، ص ۴۰۷).

۳-۴-۸. خانواده منشأ شخصیت و اخلاق افراد جامعه

خانواده، محیط خانوادگی، پدر و مادر، برادران و خواهران تأثیر مستقیم بر شکل‌گیری شخصیت و اخلاق افراد دارد. این مطلب از قرآن و روایات به راحتی قابل استنباط است. «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِيدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ» (اعراف، ۵۸). زمین پاک و آماده که با نزول باران، به امر خداوند، گیاهان گوناگون در آن می‌رویند، و زمین پلید که حتی اگر باران هم بر آن بیارد، جز اندکی علف هرز چیزی در آن نمی‌روید.

خانواده‌ای که بر اساس موازین اسلامی و قرآنی بوجود آمده و پدر و مادر براساس دستورات قرآنی خود را ساخته‌اند مصداق کامل «بلد طیب» است که در یک محیط معنوی در خانواده، فرزندان بر اساس تعالیم قرآن تربیت یافته و شخصیت اسلامی و قرآنی پیدا می‌کنند و برعکس خانواده‌ای که با اسلام و قرآن میان‌های ندارند قطعاً فرزندان آن‌ها نیز به دور از ضوابط اسلامی و قرآنی رشد یافته و در آینده در اجتماع نیز منشأ ناهنجاریهای اجتماعی و اسلامی خواهند بود.

«إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا» (دهر، ۲). شخصیت و اخلاق بعد از آنی که از پدر و مادر به فرزند منتقل شد، استعدادهای بالقوه او را با امتحان به فعلیت تبدیل کرده و بدین وسیله به او تکامل بخشیدیم.

«أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٍ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ سَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (توبه، ۱۰۹). خانواده‌ای که بنیان آن براساس تقوای الهی شکل گرفته است قطعاً موفق و رستگار خواهد بود.

امام علی (ع) فرمود: «وَاعْلَمَنَّ أَنَّ لِكُلِّ عَمَلٍ نَبَاتًا وَكُلُّ نَبَاتٍ لَا غَنَىٰ بِهِ عَنِ الْمَاءِ وَالْمِيَاهُ مُخْتَلِفَةٌ، فَمَا طَابَ سَفِيُّهُ طَابَ عَرْسُهُ وَحَلَّتْ ثَمَرَتُهُ، وَمَا خَبثَ سَفِيُّهُ خَبثَ عَرْسُهُ وَأَمْرَتْ ثَمَرَتُهُ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴). ارزش میوه‌های درختان در واقع از سه چیز نشأت می‌گیرد: بذر خوب و زمین خوب و آب خوب. به یقین بذر انسان‌ها با توجه به فطرت پاک خدادادی خوب است. هر گاه وراثت محیط که به منزله زمین است و تعلیم و تربیت که به منزله آب

است پاک و پاکیزه باشد، آثار وجودی انسان‌ها ارزشمند و پاک و پاکیزه خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ب، ج ۶، ص ۶۹).

در پژوهشی که توسط مرکز ملی تحقیقات اجتماعی کشور مصر در سال ۱۹۵۹ صورت گرفته است، ۷۲ درصد نوجوانان بزهکار که به دلیل سرقت و دزدی توقیف و یا زندانی شده بودند نماز نمی‌گذازدند و ۵۳ درصد آنان در ماه رمضان روزه نمی‌گرفتند (طالبان، ۱۳۸۰، ص ۳۸).

خانواده در شخصیت افراد به اندازه‌ای تأثیر گذار است که امیر المؤمنین به مالک اشتر دستور می‌دهد: «ثُمَّ الصَّقِّ بِذَوِي الْمُرُوءَاتِ وَالْأَحْسَابِ، وَأَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ، وَالسَّوَابِقِ الْحَسَنَةِ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). با مردمانی معاشرت کن که خوشنام بوده و دارای خانواده‌ای صالح و سابقه‌ای نیکو باشند.

۳-۵. خصوصیات طلایی خانواده قرآنی

۳-۵-۱. تقدس خانه

خان‌های که براساس موازین قرآنی پایه‌ریزی شده است بسیار مقدس بوده و مورد احترام اهل آسمان و زمین است: «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» (نور، ۳۶). خانه‌های قرآنی مورد احترامند و شیاطین و اغیار را در آن راهی نیست.

کنترل فیزیکی اعضاء توسط یک انسان وارسته

اگر زن و شوهر خودشان را براساس تعالیم قرآن ساخته باشند، پدر خانواده وظیفه دارد اعضاء خانواده را بصورت فیزیکی کنترل کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَةٌ غُلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم، ۶). پدر خانواده موظف است اعضاء خانواده را از انحرافات و ناهنجاریها بازدارد، تا دچار گمراهی و عذاب نگردد.

کنترل فیزیکی توسط یک انسان خیرخواه در هیچ محیطی به جز خانواده وجود ندارد، که این مطلب برای انسانی که تازه اول راه است بسیار ضروری است.

تأثیر خانواده بر اخلاق و شخصیت افراد * ۶۹

۳-۵-۲. احیاء جامعه

جوامع پریشان حال عصر حاضر تنها با خانواده قرآنی احیاء می‌شود، چرا که وقتی فرد فرد افراد بشر در محیطی سرشار از معنویت تربیت قرآنی شدند آن وقت در اجتماع نیز در تعامل با دیگران بر اساس تعالیم قرآن عمل خواهند کرد: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مانده، ۳۲). به نظر بسیاری از مفسرین مراد احیای شخصیت و اخلاق یک فرد است. زیرا اگر بتوانیم شخصیت و اخلاق یک فرد را براساس تعالیم الهی بسازیم خود او می‌تواند هدایتگر باشد، و این قدرت جاذبه در بین اجتماع گسترش یافته و باعث احیای یک جامعه و در نتیجه احیای تمام بشر خواهد شد. این مهم در محیط خانواده قابل دستیابی است. زیرا وقتی فرزندان یک خانواده دارای شخصیت اسلامی و قرآنی باشند خود آن‌ها در آینده صاحب فرزندانی خواهد شد که آن‌ها را نیز بر اساس موازین قرآنی تربیت خواهد کرد و بدین وسیله یک سلسله نورانی ایجاد خواهد شد که نورش در تمام جامعه گسترش خواهد یافت.

۳-۵-۳. مرگ جامعه

هرگاه بخواهیم جامعه‌ای را نابود کنیم، سریع‌ترین و مؤثرین راه آلوده کردن محیط خانواده در آن جامعه است. «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مانده، ۳۲). اگر یک نفر را در محیط خانوادگی از مسیرش منحرف کنیم با ایجاد یک سلسله ضلالت و تباهی، به راحتی تمام جامعه از مسیر اصلی خود منحرف خواهند شد.

۳-۵-۴. خدامحوری

در جامعه هیچ محیطی یافت نمی‌شود که به اندازه محیط خانواده خدا محوری حاکم باشد. زیرا در بیرون خانواده در بسیاری موارد منافع شخصی دخالت دارد، ولی در خانواده به دلیل محبتی که خدا در بین اعضای خانواده قرار داده خدا محوری در تمام ابعاد زندگی جریان دارد: «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت، ۶۹). این خدا محوری تحت هیچ شرایطی در خانواده افول نخواهد کرد چون محبت و عشق در این محیط هیچگاه فروکش نمی‌کند.

۳-۵-۵. رعایت سلسله مراتب

در اجتماعات بیرون خانه هیچ مکانی به اندازه خانواده سلسله مراتب رعایت نمی‌شود. زیرا خدای متعال افراد خانواده را نسبت به هم یک حالت مقدس به وجود آورده و بعد وظایف و حقوق آن‌ها را تعیین کرده است که اعضای خانواده به آن جایگاه تعیین شده از طرف خدا افتخار نموده و با جان و دل سلسله مراتب را رعایت می‌کنند که در هیچ نظامی در جوامع بشری نظیر ندارد: «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء، ۳۴). که سلسله مراتب بین پدر و مادر را مشخص می‌کند. و در آیه «وَإِخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ إِزْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْنِي صَغِيرًا» (اسراء، ۲۴). و نیز در آیه «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء، ۲۳). و در بسیاری از آیات دیگر سلسله مراتب را بین فرزندان و والدین مشخص می‌کند. معین بودن مرتبه‌ها به همراه تقدس جایگاه هر فرد نسبت به دیگری وظایف و حقوقی را برای آن‌ها به وجود می‌آورد که اعضای خانواده با کمال افتخار و عشق و محبت آن‌ها را برآورده می‌کنند و چنین حالتی در هیچ محیط و اجتماعی یافت نمی‌شود.

۳-۵-۶. ایثار و فداکاری

ایثار و فداکاری در میان اعضای خانواده قرآنی به قدری بالاست که هر کدام حاضرند برای دیگری از جان‌شان بگذرند، «وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْنَفْسِهِ فَاُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (حشر، ۹). در چنین خانواده‌ای با کمال رضایت و افتخار برای دیگری از جان‌شان گذشته‌اند، این حالت در وجود افراد و اعضای خانواده همیشه زنده است و می‌تواند در محیط بیرون جامعه نیز منشأ اثر باشد.

۳-۶-۶. دستورات اسلام جهت ساختن شخصیت در خانواده

تمام دستورات که از ناحیه شرع مقدس آمده جهت تربیت و اصلاح شخصیت افراد بوده‌است. اولین مکانی که این مهم به انجام می‌رسد محیط خانواده است، بنابراین می‌توان گفت مخاطب اولیه تمامی دستورات اخلاقی اسلام محیط خانواده است. واقعا اگر توجه ویژه نسبت به این دستورات به عمل آید برای اصلاح ابناء بشر، یک منشور

تأثیر خانواده بر اخلاق و شخصیت افراد * ۷۱

اخلاقی است، اگر به انجام برسد مدینه فاضله مورد رضایت خدا حاصل خواهد شد. اگر این دستورات را در کنار هم قرار دهیم به مجموعه‌ای کامل از دستورات اخلاقی خواهیم رسید. این مجموعه باید مثل قانون در خانواده رعایت شود. برخی از این قوانین ذیلاً آورده شده است:

موارد زیر در میان اعضا اکیداً ممنوع است:

عیبجویی، مسخره کردن^۱، دروغ گفتن حتی مصلحتی^۲، حدس و گمان در مورد دیگران^۳، بخل ورزیدن^۴، بدست آوردن مال حرام^۵، هر نوع نزاع و اختلاف در بین اعضا^۶، انجام هر گونه کارهای زشت و بدحجابی^۷، هر نوع سوء ظن نسبت به دیگران^۸، تهمت^۹، حدس و گمان^{۱۰}، دروغ پردازی^{۱۱}، هر نوع مجادله و بگو مگو^{۱۲}، لجباجت و نپذیرفتن همدیگر^{۱۳}، انجام

۱ - همزه، ۱: وَيَلُّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لَمَزَةٌ

۲ - نحل، ۱۰۵: إِنَّمَا يَغْتَبِرَ الْكَاذِبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ

۳ - اسراء، ۳۶: وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا

۴ - آل عمران، ۱۸۰: وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا أَنَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

۵ - نساء، ۹: إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا، مال یتیم را از باب مصداق بزرگ آورده، بنابراین منظور مال حرام است.

۶ - انفال، ۴۶: وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ

۷ - نور، ۱۹: إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، فرقان، ۶۸: مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا.

۸ - نجم، ۲۸: وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا

۹ - نور، ۱۵: إِذْ تَلَقَّوهُ بِالْسَبِّحِمْ وَتَقُولُونَ بَأْفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ

۱۰ - اسراء، ۳۶: وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ وَنِزَحَاتِ، ۱۲.

۱۱ - ذاریات، ۱۰-۱۳: قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ * يَسْتَلُونَ أَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ * يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ

۱۲ - انعام، ۱۲۱: وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَمُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَانِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ

۱۳ - انفال ۳۲: وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِن كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَابًا مِنَ السَّمَاءِ أَوْ ائْتِنَا بِعَذَابٍ

هر نوع فتنه و فتنه گری^۱، هر نوع تجسس و غیبت نسبت به دیگران^۲، ممنوع است. در بین اعضاء باید موارد زیر حتما حاکم باشد:

رعایت حجاب و شئونات اسلامی^۳، عدالت خواهی و نیک طلبی^۴، عفو و گذشت^۵، خوبی در مقابل بدی^۶، انفاق در راه خدا^۷، صبر در برابر مشکلات و امتحان‌ها^۸، عقل گرایی^۹، افزایش ظرفیت و تحمل در برابر ناملايمات^{۱۰}، رعایت سلسله مراتب بین اعضاء^{۱۱}.

۴. نتیجه گیری

اگر به منشور اخلاقی شرع مقدس که از طریق قرآن و احادیث به ما رسیده توجه کنیم، خصوصیات یک شخصیت خوب و ایده آل از میان دستورات و منهیات آن کاملاً قابل پیش‌بینی است. فردی که با این منشور تربیت شده و در صفای معنویت و صمیمیت بزرگ می‌شود، در میان اجتماع یک فرد کاملاً مفید و خیر خواه خواهد بود، هرگز انتظار نمی‌رود

الیم

۱ - بروج، ۱۰: إِنَّ الَّذِينَ فَتِنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ، بقره، ۱۹۱: وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ

۲ - حجرات، ۱۲: وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضاً

۳ - احزاب، ۵۹: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ

۴ - نحل، ۹۰: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ

۵ - اعراف، ۱۹۹: خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ، نور، ۲۲: وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا، فرقان، ۶۳: وَإِذَا خَاطَبْتَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَاماً، فرقان ۷۲: وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَاماً

۶ - قصص، ۵۴، رعد، ۲۲: وَيَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ، المؤمنون، ۹۶ و فصلت، ۳۴: اِذْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

۷ - دهر، ۸: وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِيناً وَيَتِيماً وَأَسِيراً

۸ - زمر، ۱۰: إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ

۹ - انفال، ۲۲: إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يُعْقِلُونَ

۱۰ - زمر، ۲۲: أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ

۱۱ - نساء، ۳۴: الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ

تأثیر خانواده بر اخلاق و شخصیت افراد * ۷۳

کسی که در سایه منشور اخلاق قرآنی تربیت یافته منشأ ناهنجاریهای اجتماعی باشد. اگر نگاه دقیق به عوامل و زمینه‌های بزهکاری و جرم در جامعه داشته باشیم، به راحتی این مطلب قابل درک است که مهمترین دلیل وقوع چنین پدیده‌هایی محیط خانواده است. بنابراین اگر عزم و اراده جدی در اصلاح جامعه داریم، باید سیاستهای اصلاحی معطوف به محیط خانواده باشد تا این گونه وقایع از ریشه اصلاح شود.

۵. پیشنهادهای مقاله

همانطور که از اشاره شد، بهترین راه اصلاح جامعه پیرامونی، اصلاح کانون خانواده است. بهتر است سیاستهایی تدوین کنیم که هدف آن بالا بردن فضایل در خانواده باشد. این کار را می‌توان از همان آغاز زندگی مشترک افراد جامعه برنامه‌ریزی کرد. بدین صورت که مشاوره یا کلاس‌هایی جهت بالا بردن معنویت و ایمان زوجین قبل از ازدواج در دوران نامزدی طراحی شود. این کار می‌تواند اجباری باشد. در کنار این امر مباحث فوق‌الذکر را بصورت جدا از دوره متوسطه می‌توان آغاز کرد. این روند تا پایان مقطع متوسطه تکمیل شود. از طرف دیگر بعد از ازدواج نیز در سال اول زندگی که زمان خودسازی برای زوجین است، بصورت مرتب با مشاور مذهبی در تماس باشند. این کار نیز نیاز به یک راهکار اصولی دارد که اشتیاق زوجین را برای این کار برانگیزاند.

در سال دوم ازدواج می‌تواند مشاورات خانوادگی به سمت تربیت سوق داده شود. نحوه تعامل والدین با فرزندان در سال دوم به آن‌ها منتقل خواهد شد. در سالهای آتی این مشاورات می‌تواند جهت رفع مشکلات و ارائه راه‌کارهای اساسی برای خانواده در جهت تربیت فرزندان باشد.

این کار شبیه طرحی است که به نام پزشک خانواده مطرح شده بود. زیرا به نظر می‌رسد جامعه به پزشک معنوی بیشتر احتیاج دارند تا به پزشک جسمی. وجود مشاور خانواده می‌تواند در افزایش معنویت در جامعه کمک شایانی نماید.

۶. منابع

۱. ابن مسکویه، ابوعلی. تهذیب الاخلاق و تطهیر الاغراق، ج ۱. تنقیح؛ ابن الخطیب، مکتبه الثقافة الدینیة، مصر، چاپ اول.
۲. آلبرتس، بروس، ۱۳۹۴، مبانی زیست‌شناسی سلولی، ترجمه حسین بهاروند. تهران، خانه زیست‌شناسی. چاپ سوم.
۳. بیکر، کاترین، (۱۳۹۲). ژن‌ها و انتخاب‌ها، ترجمه خسرو حسینی پژوه. تهران، موسسه فرهنگی مدرسه برهان.
۴. دشتی، محمد. (۱۳۹۲). نهج البلاغه. تهران. پیام عدالت.
۵. طالبان، محمد رضا. (۱۳۸۰). دینداری و بزهکاری. تهران. فجر اسلام.
۶. طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۷۰). مکارم الاخلاق. قم. شریف رضی. چاپ چهارم.
۷. عمید، حسن؛ فرهنگ عمید.
۸. قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران. مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم.
۹. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت. دار احیاء التراث العربی. چاپ دوم
۱۰. مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۹۱). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، قم. موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۱. مظاهری سیف، حمید رضا، (۱۳۸۴). جریان‌شناسی انتقادی عرفان‌های نوظهور. قم. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران. دار الکتب الاسلامیة. چاپ اول.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۴). اخلاق در قرآن. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب. چاپ دوم
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۴). نفحات الولاية. قم. مدرسه الامام علی بن ابی طالب. چاپ دوم.